

تمیز یا ممیز چیست؟

دکتر تقی وحیدیان کامیار*

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

(تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۲۵، تاریخ تصویب: ۸۹/۸/۱۱)

چکیده

میان صفت شمارشی و معدود در مواردی واژه‌ای می‌آید که آن را تمیز می‌نامند. این واژه در مواردی زائد است، مانند: دو جلد کتاب خریدم که می‌توان آن واژه را حذف کرد: دو کتاب خریدم.

در مواردی ذکر تمیز لازم است و به معنی می‌افزاید مانند: دو لیتر شیر، صد گرم زعفران.

و در مواردی فقط در دستورها آمده و مردم آن را به کار نمی‌برند مانند: ده نفر شتر دیدم، سه زنجیر فیل در سیرک بود. که به اصطلاح من درآوردی یا «من عندی» است و ربطی به دستور ندارد.

واژه‌های کلیدی:

تمیز، ممیز، معدود، مسند.

* ۰۹۱۵۳۱۱۴۰۹۵

یکی از نکاتی که در دستورهای زبان فارسی - چه دستورهایی که ایرانیان نوشته‌اند و چه خارجیان - بررسی علمی می‌شود تمیز یا ممیز است.

در دستورهای زبان عربی تمیز چنین تعریف شده است: اسم نکره جامدی است که ایهام اسم ماقبل خود را بر طرف می‌سازد مانند: عندی رطلاً زیتاً که «زیتاً» تمیز است. و اما آنچه دستور نویسان فارسی درباره تمیز در فارسی نوشته‌اند؛ به قرار زیر است:

۱- ظاهراً اولین دستور زبان فارسی که بحث تمیز در فارسی را - چنانکه در فارسی هست، نه به تقلید دستورهای زبان عرب - مطرح ساخته، دستوری است که دکتر علی اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ برای تدریس در دبیرستان نوشته‌اند. (دستور سال دوم آموزش متوسطه عمومی، ۱۳۶۲) در این دستور چنین آمده است:

« غالباً در شمارش اشیا یا جانداران بعد از جمله، کلمه‌ای مناسب می‌آید و سپس کلمه‌ای که شمارش آن مورد نظر است، می‌آورند: ده نفر دانشجو، صدها تن سرباز، بیست تا هواپیما، شش دانه تخم مرغ، دو قبضه تفنگ، این کلمات که قبل از معدود قرار می‌گیرند ممیز نامیده می‌شوند.

همچنین است در مورد واحدهای اندازه‌گیری که آوردن آن اجباری است: دوکیلو نان، ده متر پارچه. دو قواره پارچه. در این موارد در حقیقت، عدد وابسته نفر، تن، تا، دانه، قبضه، کیلو، متر و قواره است و همچنین این کلمات یک جا به کلمات دانشجو، سرباز، هواپیما، تخم مرغ، تفنگ، نان و پارچه وابسته می‌شوند: « یک قبضه تفنگ » (ص ۱۰۰)

در این مثال آوردن کلمه قبضه ضرورت ندارد.

۲- دومین دستور نویسی که درباره تمیز بحث کرده، محمد جواد شریعت است در کتاب دستور زبان فارسی (۱۳۷۲: صص ۲-۲۹۱)

«گاهی بعد از عدد (صفت شمارشی) و قبل از معدود اصلی (موصوف)، کلماتی می‌آورند که بر مقدار یا شاخص وجودی هر چیز دلالت کند. دستور نویسان این حالت را چنین تعبیر می‌کنند که کلمه بعد از عدد را معدود کلی و پس از آن معدود کلی را تمیز یا حالت تمیزی می‌گویند. مثل: ده خروار شکر خریدم. (ده: عدد یا صفت شمارشی. خروار: معدود کلی یا موصوف. شکر: تمیز و مفعول بی‌واسطه. خریدم: فعل و فاعل).

اما بهتر آن است که عدد و معدود کلی را یک صفت شمارشی مرکب بدانیم... (همان، ص ۲۹۱)

معدودهای مشهور در زبان فارسی عبارتند از: گرم، گندم، نخود، مثقال، سیر، کیلو، من، بار، خروار، عدل، تن (برای وزن)، نفر (برای شتر و انسان)، تن (برای انسان)، رأس (چهارپایان)، قطار (شتر و فشنگ)، قبضه (شمشیر و کارد و تفنگ)، عرّاده (توپ و تانک)، فروند (کشتی و هواپیما)، حلقه (انگشتری و چاه)، رشته (قنات و مروارید)، زنجیر (فیل)، درباره بسیاری از اشیا (عدد)، ظروف (دست)، شیر و ببر و پلنگ و سگ شکاری (قلاده)، تیر و چوب و درخت (اصله)، پارچه و فرش و لحاف و تشک (تخته)، قسمتی از ملک و خانه (دانگ)، عمارت و خانه (باب)، ده (پارچه)، اتومبیل و درشکه و تلفن و اشیا خودکار (دستگاه)، نان (گرده و قرص)، چای و شیر و قهوه (استکان و فنجان)، دستکش و جوراب و کفش (جفت و زوج)، قسمتی از ملک (فنجان، حبه، سهم، جریب و هکتار)، کتاب (جلد)، دائرة المعارف، لغت نامه و کتابهای چند جلدی (دوره)، برای بسیاری از اشیا (تا، دانه و تادانه)، پارچه و شال و دستار (طاقه)، پارچه (قواره)، زمین (قطعه)، نخ (بقچه)، مسافت (متر، کیلومتر، فرسنگ)، برای هر دوازده تایی (دوجین)، برای شیشه و آینه (جام) و... (همان: صص ۲-۲۹۴)»

به هر حال در دستور زبان فارسی دکتر شریعت و دیگر دستورها درباره تمیز یا ممیز سخن گفته شده اما مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته است؛ حال آنکه کار علم، بررسی و رده بندی است. آنچه در دستور دکتر شریعت به نام تمیز آمده می شود چنین رده بندی می شود:

۱- ممیزهای دارای معنی مانند گرم، کیلو، تن ... لیوان، فنجان، دانگ، جفت، دوجین، ...

۲- ممیزهایی که در فارسی به کار نمی روند اما در فارسی اداری به کار می روند، گرچه مفید معنی نیست. مانند: دو تن سرباز، ده رأس گوسفند، سه تخته قالی، سه عرّاده تانک، دویاب منزل، سه قرص نان، دو جلد کتاب، چهار اصله درخت، سه دستگاه اتومبیل، دو حلقه انگشتر، سه قلاده سگ، سه حلقه چاه، ده جلد کتاب، دو نخ سیگارو...

۳- ممیزهایی که معنی آنها به عنوان ممیز درست نیست. مانند: دو قبضه تفنگ، سه قبضه کارد.

۴- نادرست و عجیب: نفر برای شتر: سه نفر شتر! زنجیر برای فیل: چهار زنجیر فیل! چنانکه ملاحظه می‌شود از این چهار نوع تمیز یا ممیز، فقط مورد اول مفید معنی است. موارد دیگر را مردم به کار نمی‌برند، اما در فارسی «من در آوردی» یا به قول ادبا «من عندی» به کار می‌رود مثلاً سه تن سرباز آنجا نشسته‌اند به جای سه سرباز، که فارسی راستین نیست. یا چهار اصله درخت که در فارسی مردم نیست اما در فارسی اداری به کار می‌رود، در زبان مردم به کار بردن جمله بدون کلمه اصله معمول و درست است.

به هر حال چنانکه می‌بینیم بعضی از ممیزها بار معنایی دارند و بعضی گرچه مفید معنایی نیستند اما فقط در زبان اداری کاربرد دارند، همچنانکه برخلاف زبان فارسی معیار، در فارسی حقوقی مذکر و مؤنث هست: مشارالیه برای مذکر و مشارالیها برای مؤنث.

ناگفته نماند که این اشکالات خاص دستور زبان فارسی دکتر شریعت نیست و دستورهای دیگر نیز کمابیش همین مطالب را آورده‌اند و در نیافته‌اند که ممیزها از یک مقوله نیستند و به مسأله کاربرد آنها در زبان فارسی توجه نکرده‌اند. مثل دستور زبان فارسی ۲، تألیف دکتر حسن انوری و دکتر حسن احمدی گیوی (ویرایش دوم، ۱۳۷۴، ص ۱۷۴)

۲- در دستور فوق نیز همین مطالب تکرار شده فقط سه ممیز تازه بر آنها افزوده شده است:

دهنه برای دکان، سنگ برای آب و آبیاری و آسیا، شاخه برای سیم و لوستر و جز آن، مجله برای کتاب و دفتر: چهار مجله کتاب، دو مجله دفتر.

چنانکه می‌بینیم هیچ یک از این دو ممیز در زبان راستین به کار نمی‌رود.

ناگفته نماند که در این دستور " نفر " برای شتر به کار نرفته است.

۳- دستور زبان فارسی امروز نوشته غلامرضا ارژنگ (سال ۱۳۷۴) ممیزهای نفر، تن، دانه، قبضه ذکر شده، حال آنکه چنانکه گفتیم مردم می‌گویند دو تن کارگر مشغول کار هستند یا ده نفر دانشجو آنجا نشسته‌اند؛ بلکه می‌گویند: دو کارگر یا دو تا کارگر و... در موارد استثنایی " نفر " کاربرد دارد: از دو نفر آدم چه کار مهمی ساخته است.

۴- در کتاب توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، نوشته دکتر محمدرضا باطنی (چاپ هشتم، ۱۳۷۶، صص ۴۰-۱۳۹)، مثالهای فراوانی برای ممیز آمده؛ اما نامی از ممیز یا تمیز برده نشده است:

این یک نفر پیر زن بیچاره = این پیر زن بیچاره

آن دو نفر جوان مرد = آن دو جوان مرد.

کدام چهار جلد شهادت نامه = کدام چهار شهادت نامه

همین شش تا کافه رستوران = همین شش کافه رستوران

۵- ممیزهایی که در کتاب دکتر باطنی آمده از نوع دوم هستند که قابل حذف هستند. به عبارت دیگر در زبان راستین مردم، معمولاً کاربرد ندارند اما در فارسی اداری به کار می‌روند.

۶- در کتاب دستور زبان فارسی دکتر حسن خیامپور (چاپ سیم، ۱۳۳۸، تبریز، صص ۲۹) ممیز یا تمیز چنین تعریف شده است: حالت تمیزی آن است که اسم ارقام را از اسمی دیگر برطرف سازد مانند: "شکر در جمله" یک کیلو شکر خریدم." در این دستور دیگر سخنی درباره انواع تمیز نیامده است.

۷- در دستور مفصل فارسی امروز نوشته دکتر خسرو فرشیدورد (چاپ اول، ۱۳۸۲: صص ۳۱۷) تمیز به نام روشنگر خوانده شده است و این ممیزها آمده است:

یک دانه و عدد برای پسته. حال آنکه عدد برای پسته کاربرد ندارد: یک عدد پسته!

اما حلقه در چاه و لاستیک (صص ۳۱۷، س ۱۴). حلقه در چاه در زبان اداری کاربرد دارد و در مورد "لاستیک" باید گفت تنها به معنی "تایر و تیوپ" نیست بلکه در مورد کف پوش لاستیکی، کفش لاستیکی و غیره نیز هست.

دکتر فرشیدورد مانند دیگر دستور نویسان به فارسی راستین مردم توجه ندارد، لذا برای حیوانات رأس را به کار می‌برد و برای شمشیر و سلاح، قبضه را و برای شال، طاقه و برای لؤلؤ رشته را. (صص ۳۱۷) و برای آجر، عدد را (صص ۳۱۸).

به هر حال مسأله ممیز یا تمیز در دستورهای فارسی نیامده و در بعضی هم که آمده اعتبار علمی ندارد.

در خاتمه باید افزود که تصور دستوریان (دکتر حسن انوری و دکتر حسن احمدی گیوی) این است که فعلهای اسنادی فقط "است، بود، شد، گشت و گردید" است. حال

آنکه چنین نیست؛ مثلاً "ماندن"، به معنی "شدن" و "ادامه یافتن" نیز اسنادی است. فرهاد بیکار ماند؛ یعنی بیکار شد و بیکاری ادامه یافت.

همچنین فعلهای گرداندن و هم معنی‌های آن مانند کردن، نمودن، ساختن... این فعلها نیز نیاز به مسند دارند. باران هوا را سرد گردانید.

یخچال آب را منجمد کرد = گردانید. در این مثال "منجمد" مسند است.

چون دستوریان این نکته را نمی‌دانند فعل اسنادی را منحصر به است و... می‌دانند.

لذا "مسند" در فعلهای دیگر را تمیز نامیده‌اند (انوری، گیوی، ۱۳۷۴: ص ۱۲۱) حال آنکه تمیز چیز دیگری است. مانند: علی دو کیلو سیب خرید. "کیلو" در این مثال تمیز است.

فهرست منابع

- ۱- ارژنگ، غلامرضا، ۱۳۷۴، دستور زبان فارسی امروز.
- ۲- انوری، حسن، ۱۳۷۴، احمدی گیوی، حسن، دستور زبان فارسی ۲.
- ۳- باطنی، محمدرضا، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی.
- ۴- خیامپور، ع، دستور زبان فارسی، ۱۳۸۸ چاپ سیم، ۱۳۷۶، چاپ هفتم.
- ۵- شریعت، محمد جواد، ۱۳۷۲، دستور زبان فارسی.
- ۶- صادقی، علی اشرف، ارژنگ، غلامرضا، ۱۳۶۲، دستور برای سال دوم آموزش متوسطه عمومی.
- ۷- فرشید ورد، خسرو، ۱۳۸۲، دستور، مفصل فارسی امروز.
- ۸- _____، _____، ۱۳۵۷، گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی، امیرکبیر.